

یادگیری مانند کودکان

written by مرتضی غلام نژاد | ژوئن 10, 2015

یادگیری مانند کودکان

در سال 1984 مرکز زبان دانشگاه آمریکن در بنکوک شروع به استفاده و به کار گیری يك راهبرد جدید برای آموزش زبان تایلندی کرد. نام این روش ” شیوه شنیداری” است. در سال های اخیر این شیوه را ” پیشرفت خودکار زبان” نامیده اند.

این شیوه می گوید هر تلاشی برای صحبت کردن (یا حتی فکر کردن به زبان)، قبل از اینکه صحبت کردن خودکار حاصل شود، منجر به آسیب رسانی به یادگیری شده و نتایج نهایی را محدود می کند! به عبارتی دیگر این متد از يك ” دوره سکوت” بسیار طولانی مدت استفاده می کند.

12 ماه گوش دادن – در طول ”دوره سکوت” ، زبان آموزان تنها بر شنیدن تمرکز می کنند . بعد از 6 مستمر و زیاد ، زبان آموزان شروع به صحبت کردن طبیعی و خودکار می کنند – بدون نیاز به هیچ گونه تلاش یا حتی فکر کردن!

نکته اول- راز کودکان

همه می دانند که وقتی خانواده ای به يك کشور جدید مهاجرت می کنند ، کودکان در نهایت به طور طبیعی به زبان آن کشور صحبت می کنند اما بزرگسالان نه. توضیح شفاف این امر آن است که کودکان ”استعداد” خاصی دارند که همان طور که بزرگ می شوند آن را از دست می دهند. معلمین می گویند که بزرگسالان به جای آنکه زبان را به طور طبیعی یاد بگیرند باید زبان را به آنها آموخت و آنها باید آن را بخوانند .

اما آیا ما با شیوه های تدریس امروزی زبان پیشرفتی هم داشته ایم؟ برای مثال چرا مردم آفریقای مرکزی وقتی وارد يك اجتماع با زبان متفاوتی می شوند بهتر عمل می کنند تا دانش آموزان مدرن و پیشرفته امروزی ما ؟ آیا این بدان دلیل نیست که در تدریس مدرسین ما اشکالی وجود دارد ؟ شاید بزرگسالان هم بتوانند کاری را که کودکان انجام می دهند انجام دهند. شاید این تنها عادت رفتاری بزرگسالان است (نه نداشتن استعداد) که مانع پیشرفت و موفقیت آنها می شود.

يك تعبیر اشتباه- کودکان کاری را انجام می دهند که بزرگسالان نمی توانند انجام دهند.

سوالاتی که پرسیده نشده- چه می شد اگر بزرگسالان يك سال بدون اینکه صحبت کنند فقط گوش می دادند ؟ پاسخ ما – هم کودکان و هم بزرگسالان می توانند این کار را به خوبی انجام دهند، اما فقط کودکان هستند که این را اشتباه انجام می دهند.

واکنش يك کودک 4 ساله را با يك بزرگسال در مواجهه شدن با کسی که به زبان خارجی صحبت می کند مقایسه کنید. کودکان اکثر اوقات گوش می دهند، در حالی که بزرگسالان معمولاً سعی می کنند صحبت کنند و پاسخ دهند.

اکنون این را مد نظر داشته باشید که ” سعی در صحبت نکردن” راز کودکان است. این قابل توجه است که گوش دادن به مکالمه هایی که صحیح هستند یادگیری صحیح زبان را به همراه دارد، در حالی که گفتن چیزهایی که غلط هستند ، یادگیری را غلط می کند.

چه می شد اگر بزرگسالان هم همان کاری را می کردند که کودکان انجام می دهند، (یعنی، فقط یک سال گوش کنند بدون اینکه تلاشی جهت صحبت کردن انجام دهند). در سال 1984، مرکز زبانی در بنکوک شروع به پیاده سازی همین روش در کلاس های زبان تایلندی خود کرد. دانش آموزان به مدت یک سال تا آنجا که می شد فقط گوش می دادند بدون اینکه هرگز صحبت کنند. ما دریافتیم که بزرگسالان دقیقاً همان نتیجه ای را گرفتند که کودکان می گیرند. اگر بزرگسالان به مدت یک سال در شرایط واقعی صحبت کردن طبیعی را بفهمند، بدون اینکه تلاش کنند چیزی بگویند، آنگاه صحبت کردن روان با تلفظ کاملاً صحیح و شفاف به طور خودکار در آنها به وجود می آید.

به نظر می رسد تفاوت بزرگسالان و کودکان در این نیست که بزرگسالان توانایی انجام صحیح این کار را از دست داده اند. بلکه در این است که کودکان هنوز یاد نگرفته اند چطور این کار را غلط انجام دهند (یعنی آموزش زبان خود را با اصرار و فشار بر صحبت کردن خراب کنند).

صحبت کردن با تقلا و زور به یاد گیری زبان بزرگسالان آسیب می رساند. فکر کردن در مورد جمله بندی و قواعد، ترجمه کردن کلمات از فارسی به انگلیسی، جایگزین سازی و هر گونه فکر کردن در زمان صحبت کردن مانع صحبت کردن بومی و طبیعی شما می شود.

صحبت کردن طبیعی (که به طور خودکار به زبان شما جاری شود)، آسیب رسان نیست (حتی اگر غلط باشد). آسیب از غلط بودن جملات وارد نمی شود بلکه از فکر کردن به زبان و صحبت کردن به وجود می آید.

پیشنهاد ما این است. علت اینکه کودکان همیشه مانند بومی ها صحبت می کنند این است که آنها با گوش دادن یاد می گیرند. و علت اینکه بزرگسالان مانند بومی ها صحبت نمی کنند آن است که صحبت کردن را با صحبت کردن یاد می گیرند.

بزرگسالان بیش از اندازه صحبت می کنند. فرمول این است: ” گوش دهید ”، ” صحبت نکنید ” و ” صبور باشید ”. و حالا به نظر می رسد که این دیگر فقط راز کودکان نیست. این راز هر کسی است که می خواهد انگلیسی یا آلمانی را یاد بگیرد. در حالی که کودکان با ایمان بیشتری به این روش پای بندند، بزرگسالان این کار را می توانند سریع تر انجام دهند.

اکثر مدرسان زبان مدام از دانشجویان خود می خواهند که تا آن جا که می توانند صحبت کنند، و قبل از اینکه هر جمله ای را بگویند به خوبی فکر کنند، و دانشجویان فکر می کنند این روش درست است. و اکنون ما می گوئیم که این روش صحبت کردن و فکر کردن درست همان چیزی است که مانع یادگیری درست زبان بزرگسالان می شود.

ما کودکانی را می بینیم که به یک کشور جدیدی رفته اند، و مشاهده می کنیم که آنها ” گوش می دهند، می خندند، و خیره می شوند ”.

راز کودکان : گوش ها باز، دهان بسته، بدون هیچ آزمون و امتحانی. آنها نزدیک به دو سال مانند بومی ها می شوند.

سپس کلاس های آموزشی سراسر دنیا را مشاهده می کنیم، و درست مخالف این جریان را می بینیم، گوشها تقریباً بسته (دانشجویان به جای گوش از چشم ها استفاده می کنند)، دهان باز، و همیشه امتحان و تست. عده بسیار اندکی از این زبان آموزان مانند بومی زبان ها می شوند.

دانشجویان امروزی به دو چیز نیاز دارند.

اول : آنها به تجربه های بسیار جالبی در زبان انگلیسی نیاز دارند (تفریح، هیجان، تردید و ..) به گونه ای که فراموش کنند از زبان دیگری استفاده شده است.

دوم: درك و فهم دانشجويان بايد به حدي بالا باشد كه ياد بگيرند – يعني 80 تا 100 % مطالب را از همان روز اول درك كنند!

اينكه به مدرسان زبان بياموزيم كه هم جذاب و هم قابل فهم باشد كار زيادي مي برد. اما اين راز موفقيت است! شنيدن به شيوه ابي جالب و قابل فهم و يك “دوره سكوت” طولاني، كليد صحبت كردن انگليسي و آلماني همچون بوميان است.